امتحان الهى

انسان از همان ابتداى خلقت با وسايل و ابزارهاى گوناگون, آزمايش و امتحان شده است. نمونه هاى بارز امتحان هاى سخت الهى را در مورد پيامبران الهى شنيده ايم, كه اغلب آنان نيز از اين امتحانات سربلند و پيروز بيرون آمده اند و بدين وسيله شايستگى خويش را در رسالت الهى به اثبات رسانيده اند. اول كسى كه مورد آزمايش الهى قرار گرفت, آدم ابوالبشر(ع) بود.

قرآن در آياتى ابتدا قضيه آفرينش انسان (آدم) و سجده كردن تمام ملائكه به جز شيطان را بيان مى كند و در ادامه به ساكن شدن آدم در يكى از باغ هاى سرسبز زمينى و امتحان او و همسرش مى پردازد: (وقلنا يا آدم اسكن انت وزوجك الجنة وكلا منها رغداً حيث شئتما…;1 و به آدم گفتيم تو و همسرت در بهشت ساكن شويد و هرچه مى خواهيد از نعمت هاى آن گوارا بخوريد, ولى به اين درخت مخصوص نزديك نشويد كه از ظالمان خواهيد شد.)

[ نقش امتحان الهى در تكامل انسان

در اين كه سختى ها و مصايب, آدمى را چه از حيث روحى و چه از حيث جسمى آزموده و قوى مى كند, شكى نيست. چنان چه اگر در زندگى مخترعين, دانشمندان و بزرگان دين و علم, تفحصى بكنيم, درمى يابيم كه در اثر نيازها و مشكلات و سختى ها به اين درجه رسيده اند.

امام صادق(ع) مى فرمايد: (اِنَّ الله اِذا اَحَبَّ عَبداً غَتَّهُ بِالبلاء غَتَّاً;2 خدا زمانى كه بنده اى را دوست بدارد, او را در درياى شدايد غوطه ور مى سازد.)

و هم چنين مى فرمايد: (اِنَّ اَشَدَّ الناس بَلاءً الاَنبياءُ ثُمَّ الذين يَلُونَهم ثُمَّ الاَمثَلُ فالاَمثلُ;3 پرگرفتارترين مردم, انبيا هستند, در درجه بعد كسانى كه از حيث فضيلت بعد از ايشان قرار دارند, و سپس هركس كه با فضيلت تر است به ترتيب از بالا به پايين.)

[ هر كه بامش بيش, برفش بيشتر

كسانى كه سختى ها و مشكلات مسير زندگى خويش را با صبر و ايمان به خدا طى مى كنند و در اين راه ضعف به خود راه نمى دهند و به كمالات و فضايل دست يافته اند, خداوند آن ها را دوست مى دارد و عزيز مى شمرد.

كوتاه ديدگان همه راحت طلب كنند

عارف بلا, كه راحت او در بلاى اوست

امام باقر(ع) در مورد مصايبى كه به خاندان رسالت وارد شده, مى فرمايد: (اين مصايب نه به دليل گناهى بود كه مرتكب شده باشند و نه به دليل معصيتى كه با خدا مخالفت كرده باشند, بلكه درجات كمال و كرامت از جانب خداوند بود كه مى خواست به آن درجات برسند).4

ديل كارنگى در كتاب آيين زندگى مى گويد: (هرچه بيشتر در زندگى مردان كامياب مطالعه كرده ام, بدين نتيجه رسيده ام كه علت موفقيت اغلب آن ها مديون موانعى بوده است كه در زندگيشان پيش آمده).

همه عمر تلخى كشيده است سعدى

كـه نـامش برآمـد بـه شيريـن زبـانى

[ امتحان و ظهور گوهر انسان ها

در سخنى از امام على(ع) آمده است: (فى تَقَلّبِ الاحوال عُلِمَ جَواهرُ الرجال والايّام تُوضِح لك السرائر الكامنه;5 در پيش آمدهاى مختلف زندگى و فراز و نشيب هاى حيات, گوهرهايى كه در وجود مردان بزرگ نهفته است, معلوم مى گرددو روزگار استعدادهاى نهانى افراد را نمايان مى كند.)

گـوهـر قيمـتى از كـام نهنگـان آرنـد آن كه او را غم جان است به دريا نرود

نتيجه اين همه سختى و شدايد و آزمايش هاى الهى, ظاهر شدن گوهر وجود و درونى انسان است, ولى اثرى كه مهم تر از آن است و انسان را به سوى كمال شايسته اش رهنمون مى كند, آبديده كردن روح انسان و پولادين كردن جسم و اراده او است. به همين دليل است كه نه تنها بايد با سختى ها و مصائب روبرو شد و آن ها را تحمل كرد, بلكه بايد از سختى هاى گذشته نيز درس گرفت تا هنگام نعمت و خوشى به خود مغرور نشويم: (اَلَم يجدك يتيماً فَاوى و وجدك عائلاً فَاَغنى;6 مگر نه آن است كه تو را يتيم يافت و جا داد, و محتاجت ديد و بى نيازت كرد. پس اكنون كه به قدرت رسيده اى, بر يتيم تسلط مجو و قهر مكن و با فقير خشونت مكن.)

اين آيه, يك درس تربيتى و آموزنده را بازگو مى كند, زيرا يادآورى سختى ها نيز در رشد انسان تأثير دارد و اگر چنين نبود, فلسفه امتحان الهى چه چيزى مى توانست باشد؟

پيامبر(ص) مى فرمايد: (اِنَّ اللهَ لَيُغذى عَبدَهُ المؤمن بالبلاء كما تُغَذّى الوالدَةُ ولدها بِاللَّبَن;7 خداوند بنده با ايمان خود را با بلا و سختى ها تغذيه مى كند, همان طور كه مادر فرزندش را با شير تغذيه مى نمايد.)

و چنين است كه ميلتون گويد: (بهترين مردمان از لحاظ عمل آن هايند كه بيشتر رنج برده اند.)8

رنج گنج آمد كه رحمت ها در اوست

مغز تازه شد چو بخراشيد پوست

اى برادر موضع تاريك و سرد

صبر كردن بر غم و سستى و درد

چشمه حيوان و جام مستى است

كان بلندى ها همه در پستى است

[ چگونگى برخورد با امتحان

خداوند در آيه 155 سوره بقره مى فرمايد: (به طور مسلم ما همه شما را با امورى چون ترس و گرسنگى و… آزمايش مى كنيم.)

اين آيه شريفه تأكيد بر همگانى بودن سنت الهيِ امتحان مى كند. پس بايد فكرى براى مقابله با اين امتحانات كرد و انديشيد كه چگونه بايد از ميدان آزمايش الهى پيروز بيرون آمد. در اين جا به چند نمونه از كارهاى مؤثر در مقابل امتحانات الهى اشاره مى كنيم:

الف) صبر و شكيبايى:

خداوند جواب اين پرسش را در ادامه همين آيه با ذكر جمله: (وبشر الصابرين) داده است. يعنى تنها صابرين هستند كه آزمايش هاى الهى را با پيروزى سپرى مى كنند. پيامبرانى چون: نوح, ايوب و ابراهيم(ع) كسانى بودند كه با توسل به (صبر) از مشكلات پيروز بيرون آمدند.

ب) نماز (ياد خدا):

نماز به عنوان خط ارتباط انسان با نيروى بزرگ و مطلق جهان (خدا) انسان را قوى و استوار نگه مى دارد. در بسيارى از آيات قرآن نيز كلمه (صبر) همراه (صلاة) آمده است. از امام صادق(ع) نقل شده كه فرمودند: (هنگامى كه با غمى از غم هاى دنيا روبرو مى شويد, وضو گرفته, به مسجد برويد, نماز بخوانيد و دعا كنيد, زيرا خداوند دستور داده: (واستعينوا بالصبر والصلوة).9

هم چنين در كتاب (كافى) از امام صادق(ع) مى خوانيم: هنگامى كه مشكل مهمى براى على(ع) پيش مى آمد, به نماز برمى خاست. سپس اين آيه را تلاوت مى فرمود: (واستعينوا بالصبر والصلاة).10

ج) توجه به گذرا بودن حوادث:

وقتى انسان بداند كه حوادث و سختى هاى اين جهان گذرا است و همراه هر سختى, آسانى است, با تحمل سختى ها (شب سيه) انتظار روزى را مى كشد كه خوشى ها (روز سپيد) فرا برسد.

د) نيروى ايمان:

ايمان, به عنوان بزرگ ترين نيروى مثبت درونى, در بسيارى از حوادث و مشكلات, راه اصلى و اساسى به شمار مى رود. مؤمنان سختى ها را كوچك تر از آن مى بينند كه باعث شكست آنان شود. اين نيروى پولادين, سدى است در برابر تمام مشكلات.

هـ) توجه به تاريخ پيشينيان:

توجه به اين حقيقت كه آزمايش هاى الهى در مورد پيامبران بسيار سنگين تر و سخت تر از مشكلات ما است, نوعى آرامش را در وجود آدمى پديد مى آورد و تحمل سختى ها را آسان مى كند. تاريخ هر ملت و قومى پُر است از مشكلات طاقت فرساى گذشتگان و بزرگان در راه ايمان و اعتقاد و ارزش هاى الهى.

قرآن كريم براى دل دارى پيامبر(ص) و تقويت روحيه ايشان, با اشاره به سرگذشت گذشتگان مى فرمايد: (وَلقد كُذِّبَت رُسُل من قبلك فَصَبروا على ما كُذّبوا و اُوذوا حتى اتاهم نصرُنا;11 اگر تو را تكذيب كنند تعجب نيست, پيامبران پيشين را نيز تكذيب كردند. آن ها در برابر تكذيب مخالفان پايدارى و شكيبايى به خرج دادند و آزار شدند تا سرانجام نصرت و يارى ما به سراغشان آمد.)

[ تأثير امتحان بر فرد و اجتماع

امتحانات الهى به گونه اى است كه تنها مربوط به فرد نمى شود, بلكه گاهى خداوند جامعه و يا ملتى را امتحان مى كند. اين امتحان گاهى در اثر اعمال ناشايست و ناپسند انسان ها و گاه در اثر عوامل ديگر است. از ديدگاه قرآن تمام مصايبى كه بر فرد و اجتماع وارد مى شود, زاييده و برگرفته از رفتار ناپسند بشر و سوءاستفاده از آزادى هاى خود است. قرآن مى فرمايد: (هر مصيبتى كه به شما رسد, نتيجه كردار خود شما است.)12

گاهى خداوند سختى ها و مصايب را براى جامعه اى فرو مى فرستد تا آن ها را بسنجد و در صورتى كه لياقت داشته باشند, موهبت هاى خاصى به آن ملت يا جامعه مى دهد.

تأثير روشن و واضحى كه امتحان بر فرد و جامعه مى گذارد, بدين قرار است:

1) آدمى در كوران حوادث, آبديده و قوى مى شود. بنابراين جامعه اى كه افراد سخت كوش و مقاوم فراوانى داشته باشد, در برابر تجاوزات و جنگ ها قوى تر و استوارتر است.

2) نيروى ايمان فرد, در سختى ها تقويت مى شود. بنابراين جامعه با ايمان, جامعه ايده آل و موفق و ثابت قدمى خواهد بود. اين همان نيرويى است كه جوانان ما در سختى هاى زمان طاغوت آن را در خود تقويت كردند و در زمان جنگ به نمايش گذاشتند.

3) تأثير ديگر امتحان الهى بر فرد و جامعه مى تواند اين باشد كه وقتى فردى با انواع سختى ها و مشكلات و حربه هاى مختلف آزموده شد, كمتر از اطراف و جامعه خود چشم برمى دارد و انتظار امتحانات مختلف الهى را دارد و اين روحيه مبارزه را تقويت مى كند و استقلال فردى و اجتماعى را در افراد بالا مى برد و يك روحيه بيدارباش را در فرد پديد مى آورد.

[ ابزارهاى امتحان

خداوند در قرآن كريم ابزارهاى مختلفى را براى آزمايش الهى بيان كرده است كه از آن جمله مى توان: ترس, گرسنگى, زيان هاى مالى, فرزند و مرگ را نام برد. البته وسايل آزمايش تنها به اين چند مورد بسنده نمى شود; قرآن حتى بعضى از خواب ها را نيز وسيله آزمايش معرفى كرده است.

برخى در برابر ترس, خويشتن را مى بازند. برخى ديگر در برابر (خير و شر) ضعف دارند. بايد توجه داشت كه امتحانات الهى هميشه در قالب حوادث ناگوار رخ نمى دهد, بلكه برخى اوقات آدمى با نعمت ها و كاميابى ها آزمايش مى گردد: (ونبلوكم بالشر والخير فتنة;13 ما شما را به وسيله بدى ها و خوبى ها امتحان مى كنيم.)

آزمايش انسان با خوبى ها و چيزهاى پسنديده معمولاً سخت تر از امتحان با شدايد و بلايا است, زيرا آدمى به غلط مى پندارد اين چيزى كه خداوند به او داده است يك موهبت الهى است (به معناى غلط آن) و از اين رو ممكن است در اين آزمايش با شكست مواجه شود.

پى نوشت ها:

1ـ بقره(2) آيه 35.

2ـ بحارالانوار, ج15, ص55.

3 ـ همان, ص53.

4 ـ اصول كافى, ج1, ص262.

5ـ بحارالانوار, ج77, ص286.

6 ـ ضحى (93) آيه 6.

7ـ بحارالانوار, ج81, ص195.

8ـ محمد محمدى رى شهرى, عدل الهى, در جهان بينى توحيد, ص155.

9و10ـ بقره(2) آيه 45.

11ـ انعام(6) آيه 34.

12ـ شورى (42) آيه 30.

13ـ انبياء(21) آيه 35.